

آوای بیدار



گاه نامه فرهنگی - سیاسی، دانشجویی آوای بیدار / سال اول / شماره اول / مهر ۹۳ / ۱۵۰۰ تومان

نقش رسانه ها در قبال داعش

غربی ها تاکتیکهای جنگ روانی را به خوبی می دانند و استفاده کردند و از همه شیوه های مشروع و نا مشروع استفاده می کنند و تا جایی که می توانند، از ابزار حقوق بشر و رسانه نیز استفاده می کنند .

ایدئولوژی نازیسم و جایگاه زن

زن در نگاه نازیسم موجودی است احساساتی، ضعیف و فرمان بر مرد. مرد به وظایف اصلی که همان جنگیدن و نابود کردن ضعیفان است می پردازد و دنیای زن خلاصه می شود به مردش که قسمت اصلی زندگی وی است.

تمولات عراق با محوریت داعش

داعش گروهی است که در عربستان و امریکا آموزش دیده برای انجام ماموریت در عراق و سوریه که کاملاً با توجه به اهداف خود تاکنون موفق نیز بوده اند.

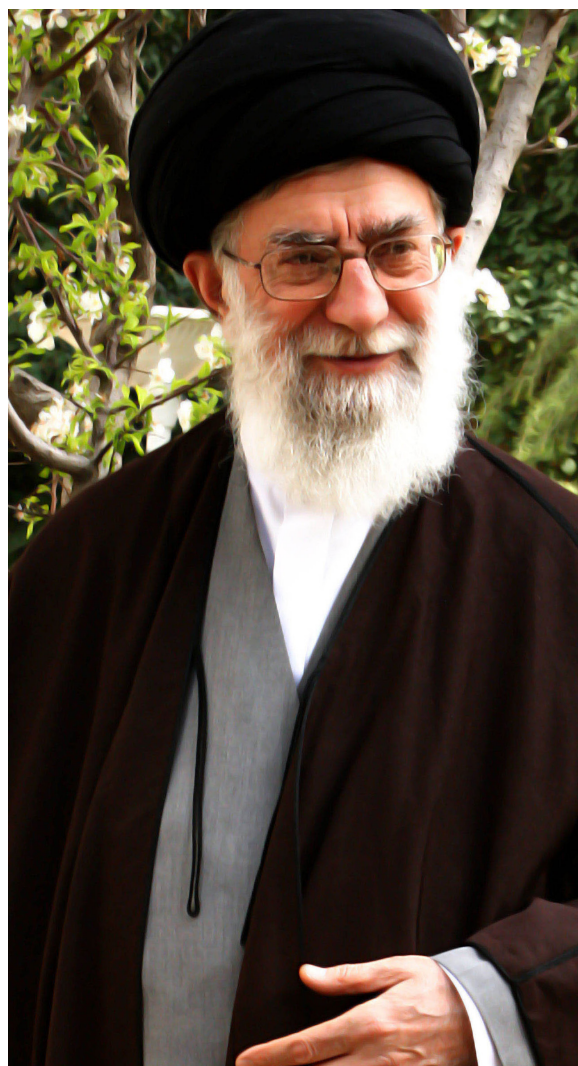


بررسی

پرونده

داعش

- سخن سردبیر | ۱
- دانشجوی سیاسی | ۲
- دانشگاه و آموزش عالی | ۳
- بیداری اسلامی در عربستان | ۴
- غزه و حقوق بشر | ۶
- ایدئولوژی نازیسم و جایگاه زن | ۷
- تحولات عراق بامحوریت داعش | ۸
- نقش رسانه ها در قبال داعش | ۱۰
- تحولات عراق و نقش داعش | ۱۲
- داعش و تأثیرات ژئوپلیتیک آن | ۱۳



شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن علمی تخصصی علوم سیاسی

مدیر مسئول: فائزه سادات حسینی

سردبیر: مهدی قاسمی جعفرآبادی

مدیر هماهنگی: سید حمید شجاعی

مسئول مصاحبه: محمد غفوری

سرپرست هیئت تحریریه: دکتر مهدی جاودانی مقدم

هیئت تحریریه: محمد غفوری، سید احمد سادات الحسینی، حمید شجاعی، زهرا مقبول، عطیه روشن خواه

طراحی و صفحه آرایی: شرکت طراحان ایده پرداز کاسپین

با سپاس از کانون اندیشه ورزان فردا و سرکارخانم بشرا امجدی که در این شماره ما را یاری داده اند.

روابط عمومی: ۰۹۱۰۴۶۳۵۶۱۱



سخن سر دیر

● مهدی قاسمی جعفرآبادی

الله اعلم به کل شی

پیامبر اکرم (ص): هیچ تهی دستی سخت تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.

انسان را به عنوان موجودی جستجوگر نام برده اند و انسان وقتی به حقیقت دست میابد به آرامش می رسد؛ از این روست که انسانها از آغاز به کسب علم روی آورده اند و این اصل در تاریخ بشر استمرار یافته است.

در جهان معاصر، تحولات گسترده ابعاد زندگی بشر را در نور دیده است و سرعت تولید علم که ماحصل پژوهش در امور مختلف می باشد در پهنه ی جهان رو به گسترش است. همه ی ما می دانیم که در حال حاضر مشکلات زیادی در جامعه وجود دارد و ما ی دانشجو با تدبیر، تلاش بیشتر و کسب علم و ارتقاء دانش شخصی می توانیم بدون چشم داشت به کمک مسئولین بیاییم و آنان را برای گذار از وضع موجود یاری دهیم و این مهم جز با ۳ اصل خود یاری، خویشتن شناسی و خویشتن پردازی محقق نخواهد شد.

سخن کوتاه و کمی درباره ی انجمن

صحبت می کنم:

نشریه ای که در دست شماست به سادگی بدست نیامده است و اعضای نشریه از اواخر تیرماه برای مصاحبه و طبقه بندی مطالب وارد عمل شده اند و در این راستا توانستیم به صورت اختصاصی با افرادی همچون جناب آقای فواد فدایی مشاور نخست وزیر پیشین عراق جناب آقای نوری مالکی و بزرگانی همچون حاج علی غفاری نماینده آیت الله سیستانی و فرماندار شهر دیاله عراق مصاحبه داشته باشیم و این امر نیاز به کاری منسجم و پیگیری هایی قوی داشت که به حمد الهی با پشت کار تیم نشریه و کمک عزیزانی خارج از انجمن به بار نشست.

نشریه آوای بیدار ماحصل نشریات گذشته ی انجمن علمی تخصصی علوم سیاسی می باشد که در سالهای گذشته با نام های سپهر جاوید، نقطه صفر، سیاست ۸۷ و نیم نگاه منتشر شده بودند.

و اما توقع ما از شما:

انجمن علمی تخصصی علوم سیاسی، نمایندگان شما اساتید و دانشجویان رشته علوم سیاسی می باشند و ما برای بهتر عمل کردن در راستای اهداف انجمن نیازمند کمک های فکری و علمی شما بزرگواران می باشیم.

و اما برنامه های بعدی انجمن:

انجمن در نظر دارد که با شناسایی نیاز شما اساتید و دانشجویان اقدام به برگزاری کارگاه های آموزشی نماید و در این راستا لطفا دوره هایی که به نظر شما برای دانشگاه و دانشجویان مفید می باشد را به روابط عمومی که شماره آن در بخش شماست نامه نشریه آورد شده است اطلاع دهید.

و نکته ی بعد اینکه به امید خدا در آینده ای نزدیک دانشجویان و اساتید می توانند با ورود به وبسایت [www. Adnisherz.ir](http://www.Adnisherz.ir) از برنامه های انجمن و گروه مطلع شوند و نیز می توانند نشریه آوای بیدار را به صورت الکترونیکی دانلود نمایند.

موفق و پایدار باشید.

دانشجوی سیاسی



چکیده:

حاکمیت قانون در تمامی ارکان نظام و سطوح مختلف جامعه، از اهداف و آرمان های مهم دانشجوی سیاسی است؛ بر این اساس، یکی دیگر از ویژگی های دانشجوی سیاسی، آگاه بودن از چارچوب های قانونی و حقوقی فعالیت های سیاسی و رعایت این ضوابط در کلیه فعالیت های خویش است بدیهی است التزام به رفتار قانونی از یک سو، نمایانگر مشروع پنداشتن نظام ها و از سویی نشان از عقلانیت رفتار کنندگان است و هر نوع حرکتی خارج از ضوابط پذیرفته شده و قانونی، نظیر خشونت و عدم تحمل سیاسی و ...، نه تنها با واکنش لایه ها و سطوح مختلف جامعه مواجه خواهد شد، بلکه آثار زیان باری را نیز برای دانشگاه مجموعه های دانشجویی و نظام اسلامی به دنبال خواهد داشت

مشارکت سیاسی از مهم ترین و اساسی ترین مطالبات دانشجویی کشور است و نظام اسلامی نیز همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی دانشجویان و مشارکت فعال و مثبت آنان در مباحث سیاسی تأکید دارد. بر این اساس "تبیین دقیق سیاسی بودن دانشجو، ضرورت و ویژگی ها و حدود آن در نظام اسلامی" موضوع اصلی نوشته حاضر است **تبیین سیاسی بودن دانشجو**

دانشجوی سیاسی مطلوب در نظام اسلامی، به کسی گفته می شود که در دانشگاه، به درجه بالایی از بینش و درک سیاسی رسیده، در قبال سرنوشت خود، جامعه و مسائل سیاسی حساسیت لازم را نشان دهد. سیاسی بودن دانشجو بدین معناست که یک دانشجوی متعهد، تنها نباید در محور مسائل فردی و شخصی خود متمرکز باشد و از رویدادهای جامعه و جهان غافل و نسبت به آن بی تفاوت باشد، بلکه باید با اصول و مبانی منطقی و معقول، به تحلیل حوادث و رویدادهای جهانی و داخلی بپردازد و موضع مناسب و قاطع اتخاذ کرده و حساسیت لازم را دارا باشد. آن گونه که حضرت

امام (ره)، همواره از دانشجویان و دانشگاهیان انتظار داشتند که همچون ناظری بصیر و آگاه، هوشمندانه و متعهدانه، عملکردها و تصمیم گیری ها را مدنظر گیرند و با نقادی دلسوزانه، خطا و لغزش احتمالی را گوشزد کنند و همچون مشاوران و کارشناسانی امین، مساعدت خویش را از دست اندرکاران و مجریان امور دریغ نکنند. همچنین در رخدادهای و مراحل حساس و تعیین کننده ای چون انتخابات، همراه با دیگر بازوان فکری جامعه، با ارائه ملاک ها و معیارهای صحیح، مردم را برای مشارکت و حضور مؤثر در سرنوشت خویش مدد رسانند و در جهت گیری ها و خلق بسترهای اجتماعی - فرهنگی، تسهیل کننده راه تحکیم مقاومت ملی و انقلابی در برابر جهان خواران، امت اسلام را حامی و هادی باشند و به مدد قدرت فنی و دانش خویش، در تشخیص و افشای ترفندهای دشمنان، لحظه ای درنگ به خود راه ندهند. مقام معظم رهبری نیز تصریح می کنند که "مسئولیت بزرگ دانشجویان بسیجی، تحلیل درست، بررسی کارشناسانه و ریشه یابی مسائل اساسی کشور و جهان اسلام و حضور هوشیارانه، با نشاط و فعال در صحنه است"

دانشجویان و سیاست

بررسی رابطه دانشجویان با سیاست و شناسایی عوامل و زمینه های مؤثر بر آن، از ابعاد مختلف قابل تحلیل و ارزیابی است؛ از دیدگاه مارکوزه، هابرماس، فوکو، دانشجویان دارای سه ویژگی اند که می توانند پتانسیل و ظرفیت جنبش های اجتماعی جدید باشند:

۱. خصیصه سنتی؛ دانشجویان جوان و جوانی برای خود ویژگی هایی دارد. عمده ترین ویژگی جوانی این است که سن هیجان ها و انرژی های متراکم است که می خواهند این انرژی متراکم و هیجان انباشته را در جایی تخلیه کنند؛ از این رو سن دانشجویی سن مقتضی تحرک و حرکت های انقلابی است.

۲. ویژگی معرفتی؛ چون دانشجو با معرفت ها و اطلاعات تازه سر و کار دارد و از لحاظ

روشی نیز متد انتقادی و تحلیلی را دنبال می کند، به وضع موجود رضایت نمی دهد و با آن درگیر است. پرسش گر و انتقادگر است و این ویژگی موجب می شود که دانشجو به عنوان محور اصلی تحولات اجتماعی شناخته شود.

۳. دانشجو محافظه کار نیست؛ کسانی چون مارکوزه و دیگران می گفتند که طبقات اجتماعی، به علت وابستگی به کار، شغل و درآمد، محافظه کاراند، اما دانشجو چون کار و اشتغال ندارد، محافظه کار نیست؛ آرمان خواه است و در راه آرمانش هزینه می کند و به هزینه کردن، راحت رو می آورد.

ضرورت سیاسی بودن دانشجو

در مورد سیاسی بودن دانشجو و اینکه آیا لازم است، دانشجو علاوه بر فعالیت های علمی و پژوهشی خویش، مشارکت سیاسی داشته باشد؛ سه تفکر وجود دارد:

۱. عده ای مخالف سیاسی بودن دانشجو و هر گونه فعالیت سیاسی او هستند و به فرموده مقام معظم رهبری، "در محیط دانشگاه، بعضی ها حوصله حرکت ندارند؛ می گویند بگذار کارها را بکنیم، درسشان را بخوانیم، زودتر این ورق پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری برویم ... اینها مشمول ... بیداری، خیزش و حرکتی که عنوان دانشجویی دارد، نیستند.

۲. برخی دانشجوی سیاسی پیرو و کاملاً فاقد درک و بینش سیاسی می خواهند تا به عنوان ابزاری، افکار آنها را در سطح دانشگاه تبلیغ کنند و به اصطلاح به عنوان "توپخانه و مهمات سیاسی" عمل کند. ترویج کنندگان چنین تفکری، عموماً جریان های سیاسی، احزاب و باندهایی هستند که تنها در پی کسب قدرت، به هر وسیله بوده اند.

۳. دسته سوم با رویکردی واقع بینانه، به جایگاه دانشگاه و دانشجو و نقش مهم آن در ساختارهای اساسی کشور، بر ارتقای سطح بینش و تحلیل سیاسی دانشجویان، حفظ استقلال و مشارکت سیاسی مناسب با نقش و کارکردهای دانشجویی، تأکید و اهتمام دارند.

نویسنده: مهدی قاسمی جعفر آبادی

دانشگاه و آموزش عالی

مهدی قاسمی



مهارت و تخصص، او را استخدام می کنند و این موضوع به تشدید مسئله ی مدرک گرایی دامن می زند.

راه حل پیشنهادی

برای مقابله با این پدیده ی شوم، دولت مردان باید رشته هایی به مقاطع کاردانی و کارشناسی اضافه کنند که بازار کار برای آن وجود داشته باشد تا دانشجوی پس از گذراندن این مقاطع بتواند وارد بازار کار شود و نیازی به تحصیل در مقاطع بالاتر نداشته باشد.

از دانشگاه ها انتظار می رود به تربیت نیروی متخصص، ماهر و تولید دانش مورد نیاز جامعه بپردازند. بنابراین دانشگاه کارکرد خود را از یک راه باید تحقق بخشد و آن شکوفا کردن استعداد ها و توانمندی هرچه بیشتر دانشجویان است، اگر دانشگاه به چنین هدفی پاسخ داد، یعنی تحقق اهداف دانشگاه و آموزش عالی و تربیت نیروی متخصص برای رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه و شاید اینگونه بتوان گفت که یکی از راه های توسعه ی دانشگاه، ارتباط اندام وار با نظام سیاسی است؛ همانگونه که در بطن تاسیس دانشگاه در ایران، آموزش عالی، بخشی از نظام دیوان سالار حکومتی تعریف شد و این نظام وظیفه دانشگاه را تربیت نیروی ماهر در عین حال مطیع و خادم نظام سیاسی در نظر داشت.

رفته رفته دانشگاه های بسیاری اعم از دولتی و خصوصی تشکیل شدند و مراکز فنی و حرفه ای نیز به دانشگاه جامع تبدیل شدند و تلاش برای جذب دانشجو در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری با داشتن حداقل شرایط و امکانات همچنان ادامه دارد و تلاش برای رشد کیفی توسعه ی انسانی جای خود را به کمیت آن داد. زمانی رفتن به دانشگاه برای جوانان یک آرزوی دست نیافتنی بود اما امروزه این امر بسیار ساده و آسان شده است و بی شک وضع کنونی و آینده ایران به علت کم تجربه گی و نبود نیروی متخصص در حاله ای از ابهام قرار دارد. دانشگاه ها بجای آموزش و انجام فعالیت های تحقیقاتی و دانش پژوهی به دنبال کسب درآمد شده اند و اعتبار برای انجام کارهای پژوهشی در نظر گرفته نمی شود در این میان پژوهش و تخصص گرایی جایگاهش را در آموزش عالی به مرور از دست می دهد و پس لرزه های سیاستی اشتباه برای توسعه ی انسانی موجب ضعف انتشارات علمی، کاهش سرانه مطالعه ی علمی و روحیه پژوهشگری در در نتیجه بی انگیزگی در جوانان و افزایش بیکاری در دانش آموختگان و اشتغال بسیاری از فارغ التحصیلان در مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی آنهاست.

و دیگر تبعاتی که به همراه دارد پدیده ی مدرک گرایی است که حدود پانزده سالی می باشد که دست به گریبان قشر دانشجو و بسیاری از مردم شده است به گونه ای که در این سالها شاهد رشد چشم گیر تعداد زیادی از دانشجویان در مقاطع مختلف هرچند که علاقه ای به رشته های خود ندارند بوده ایم و این امر باعث شده دانشجوی نتواند با مدرک کارشناسی وارد بازار کار شود و تصمیم می گیرد به مقاطع بالاتر برود و سپس برای آزمون دکتری اقدام می کند، در صورتی که مقطع دکتری بالاترین پژوهشی و آموزشی کشور به حساب می آید و متأسفانه بسیاری از مراکز و موسسات به دلیل اینکه فرد دارای مدرک دکتری است بدون در نظر داشتن

یکی از موضوعات مورد توجه در سند چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، نقش آموزش عالی است. براساس این چشم انداز، ایران در تلاش است تا با گذر از موقعیت کنونی، «جامعه ای توسعه یافته، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی، امن مستقل و مقتدر، برخوردار از سلامت و رفاه، فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری و انضباط عمومی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران ایجاد کند و با رشدی پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای سطح درآمد سرانه و اشتغال کامل به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) دست یابد.

در طول دهه های گذشته، تلاش های ارزشمند و مفیدی در راستای بهبود زندگی مردم انجام شد و در برخی شاخه ها در زمینه ی توسعه ی انسانی پیشرفت خوب و چشم گیری نیز صورت گرفت، یکی از شاخصه هایی که برای نشان دادن میزان پیشرفت یک کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد، شاخص توسعه ی انسانی است، این شاخص ها از سه عنصر اصلی میزان تحصیلات، توزیع درآمد و متوسط طول عمر تشکیل می شود و توسعه ی آموزش و پرورش و آموزش عالی از منابع اصلی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به شمار می رود.

آموزش عالی ایران با تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ که به ابتکار امیر کبیر در زمان ناصرالدین شاه بود در تهران آغاز شد و پس از آن در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه در ایران و بعد از آن دانشگاه آزاد در سال ۱۳۶۱ با هدف گسترش آموزش عالی از لحاظ کمی و کیفی تاسیس شدند.

بیداری اسلامی در عربستان

• نویسنده: مهندس بابک نعمتی (پژوهشگر)

بابک نعمتی



بیداری اسلامی زنگ خطر را برای سقوط همه دیکتاتورهای طرفدار آمریکا در خاورمیانه به صدا در آورد. در تونس روز ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰ با فرار زین العابدین بن علی رئیس جمهور طرفدار غرب این کشور به عربستان سعودی، انقلاب مردم به پیروزی رسید. مصر بزرگترین کشور عربی با ۸۰ میلیون نفر جمعیت و حکومتی طرفدار غرب و اسرائیل به ریاست حسنی مبارک که مدت ۳۰ سال قدرت را در دست داشت با اعتراضاتی مردمی از روز ۲۵ ژانویه در میدان التحرير آغاز گردید. کمتر از یک ماه بعد در روز ۱۱ فوریه سال ۲۰۱۱ برابر ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۸۹ (سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران)

حسنی مبارک از مقام خود استعفاء داد. علی عبد الله صالح دیگر مهره آمریکائی در منطقه نهایتاً بعد از سرکوب خونین خیزش های مردم مسلمان این کشور نهایتاً در ژانویه سال جاری میلادی ۲۰۱۲ تحت فشار فزاینده مردم یمن از این کشور فرار کرد. در لیبی اعتراضات مردمی از روز ۱۳ ژانویه سال ۲۰۱۱ آغاز گردید و سرانجام با کشته شدن معمر قذافی دیکتاتور این کشور در ۲۰ اکتبر سال ۲۰۱۱ پایان یافت. مصر و یمن و لیبی و تونس چهار کشور عربی بودند که اعتراضات مردمی به تغییر رژیم های این کشورها منجر گردید. این در حالی است که قیام مردم مسلمان در کشورهای دیگر منطقه به ویژه بحرین و اردن و عربستان به شدت ادامه دارد ولی با سکوت خبری رسانه های غربی روبرو شده و در حالی که اقدامات تروریستی مخالفات دولت سوریه شدیداً پوشش داده می شوند ولی در خصوص سرکوب مردم در کشورهای عربی طرفدار غرب، خبری به رسانه ها درز نمی کند.

عربستان سعودی به عنوان کشوری که خیزش ها و تظاهرات مردم مسلمان در آنجا

سابقه طولانی تر دارد از تحولات بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه به شدت هراسناک است. در حالی که اهداف اصلی قیام در همه کشورها، بازگشت به ارزش های اسلامی و ابقاء شان انسانی و مشارکت های مردمی در تصمیم گیری های سیاسی اعلام شده با این حال رهبران عربستان سعودی سعی دارند همه این اتفاقات را تنها در قالب برخورد های مذهبی نشان داده و نشان دهنده تلاش برخی کشورهای منطقه در سرنگونی حکومت های اهل سنت تعبیر می کنند. انقلاب های مردمی در کشورهای عربی، جدا از همه اهدافشان، به یک خواسته مشترک تاکید داشتند و آن یک انقلاب فرهنگی واقعی در جهان عرب است. ایمان به شان انسانی و تقبیح دیکتاتوری. به نظر میرسد که عربستان سعودی همگام با اسرائیل سعی در منحرف ساختن همه انقلاب های عربی مخالف چاپ آفریقایی جنوبی در مقاله ای ضمن بررسی تحولات دو سال اخیر Daily Maverick غرب در منطقه را دارند. روزنامه جهان عرب، این گونه نتیجه گیری کرده که اعراب بیشتر از آنکه دنبال اصلاحات سیاسی باشند خواستار انقلابی فرهنگی بودند. این روزنامه نسبت به تحقق اهداف اولیه و مثبت انقلاب های عربی اظهار بدبینی کرده و عربستان سعودی و قطر و اسرائیل را عوامل بازگشت مجدد دیکتاتوری

البته به شکلی دیگر در کشورهای خاورمیانه می دانند.

راهبرد اصلی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در دو کلمه خلاصه می شود. اول جلوگیری از پیروزی مخالفان رژیم های طرفدار غرب در منطقه به هر قیمتی. اتفاقی که به صورت کاملاً مشخص در بحرین روی می دهد. ریاض برای حمایت از رژیم آل خلیفه حتی نیروی نظامی به این کشور اعزام داشت و موضوع وحدت سیاسی با منامه را برای حمایت از دیکتاتور این کشور به صورت کاملاً جدی مورد بررسی قرار داده است. راهبرد دوم عربستان و اسرائیل عبارت است از جایگزین کردن نیروهای طرفدار خود به عنوان نیروهای اصلی بعد از سقوط دیکتاتورها و اتفاقی که در یمن افتاد و نیروهای طرفدار و پیرو عربستان و آمریکا زمام امور بعد از فرار عبدالله صالح را در دست گرفتند.

اکنون این سؤال در جهان عرب مطرح است که رژیم عربستان سعودی تا کی می تواند خود را از تیر رس تاثیرات بیداری اسلامی دور نگه دارد. روزنامه گاردین در مقاله ای به قلم سعد الفقیه رئیس جنبش اصلاحات اسلامی در عربستان با عنوان عربستان منتظر بهار خودش است، نوشت: در حال حاضر عربستان همه شرایط لازم برای شروع انقلاب را داراست.



در حال حاضر نیز هر دو نگران تکرار این تحول در کشورهای عربی می باشند. دانی ایالون معاون وزیر امور خارجه اسرائیل در مصاحبه ای با نشریه ایتالیائی ایل خولیو گفته است که رویدادهای کشورهای عربی از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران الگو گرفته اند. وی از اینکه کشورهای غربی به دلیل مشکلات اقتصادی نمی توانند به درستی از این تحولات ممانعت کنند ابراز ناراحتی کرده و برآیند همه این رویدادها را بر ضد امنیت داخلی اسرائیل ارزیابی کرده است.

اسرائیل و عربستان با تکیه بر تجربیات سابق خود به این نتیجه رسیده اند که نمی توانند عملاً جلوی تحولات را در کشورهای عربی بگیرند. در نتیجه هدف راهبردی آنها به گروگان گیری این تحولات و مصادره آنها به نفع خود است. آنها مایلند از طرفی رژیم های طرفدار خود را در کشورهای که از بند دیکتاتوری رسته اند جانشین کنند و از طرفی در صدد براندازی رژیم های ضد اسرائیلی در منطقه هستند. تاریخ اخیر خاورمیانه نشان داده است که سرانجام این مردم هستند که پیروز میدان خواهند بود نه ترغند ها و توطئه های عربستان و اسرائیل و قطر و سایر کشورهایی که به نیابت از کشورهای غربی در منطقه عمل می کنند.

الفقیه که در انگلیس به عنوان پناهنده زندگی می کند، در مقاله خود به برخی شرایط عربستان اشاره کرد و گفت: اکثر عوامل و شرایطی که باعث انقلاب های جهان عرب شد، در عربستان نیز وجود دارد به عنوان مثال رژیم سعودی ده ها هزار زندانی سیاسی را در بازداشت دارد که اکثر آنها بدون تفهیم اتهام زندانی هستند و سطح فساد رو به افزایش است. تنها در بودجه اخیر عربستان صدها میلیون دلار مفقود شده است. این نارضاضی سعودی در مقاله خود همچنین به نرخ بالای بیکاری در عربستان که نزدیک ۲۲ درصد اشاره و درآمد سرانه مردم را در حدود ۱۳۰۰ دلار ارزیابی کرده است که پاسخگوی نیازهای اساسی مردم نیست. الفقیه در ادامه این یادداشت خود آورده است: خاندان سعودی با عربستان و ملت آن به گونه ای برخورد می کنند که انگار ملک آباء و اجدادی و شخصی آنها است.

این نویسنده سعودی در پایان مقاله خود از ترغند قدیمی مقامات سعودی یاد میکند که شورش های مردمی را تنها از طرف شیعیان این کشور می داند و در رسانه ها رسمی آنها را تلاشی برای زیر سؤال بردن تسلط سنتی اعراب سنی بر دستگاه های اداری و حکومتی دانسته و از این طرق ملت عربستان را دو دسته کرده و آنها را در مقابل هم قرار می دهد.

نقش عربستان سعودی در گروگان گیری

غزه و حقوق بشر

● نویسنده: سید حمید شجاعی (کارشناس ارشد علوم سیاسی)



سید حمید شجاعی

امنیت سازمان ملل ناتوان از هرگونه اقدام عملی و اعمال فشار مؤثر بر اسرائیل مهر تأییدی بر تحلیل سفیر تلاویو در سازمان ملل می زند؛ دن گیرمن پس از آنکه شورای امنیت به خاطر رأی منفی آمریکا نمی تواند بیانیه ای در اعتراض به اقدامات ضد انسانی اسرائیل در غزه تصویب کند می گوید: شورای امنیت وقت خود را تلف می کند چون اسرائیل نیازی به صدور بیانیه از سوی شورای امنیت ندارد و اینجاست که باید برای حقوق بشر گریست که باوجود تمام قواعد حقوقی الزام آور دولت تلاویو اعلامیه جهانی حقوق بشر به تمسخر می گیرد.

اما در وصف این حقوق بشر همین بس که ناقضان حقوق بشر برنده جایزه صلح نوبل می شوند حال تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.



دست و پا می زند و می سوزد و از زمین و هوا آماج حملات وحشیانه موشکها، بمب ها و گلوله های اسرائیل قرار می گیرد و نهادهای بین المللی فقط می نگرند و ابراز همدردی می کنند اما کجاست حقوق بشر؟؟؟

عملیاتی که نام تیغه حفاظتی به آن دادند بیش از ۲۰۰۰ نفر کشته و هزاران مجروح بر جای می گذارد حال سؤال اینجاست که جایگاه حقوق بین الملل و حقوق بشردوستانه در این بحث کجاست؟ ۶۰ سال از عمر اعلامیه جهانی حقوق بشر می گذرد اما این میثاق جهانی به بدترین شکل ممکن خدشه دار می شود. (حقوق بشری که در آن هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت را دارد، ماده ۳) (هرکس حق دارد در داخل کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید، ماده ۱۳)

(هرکس حق دارد هرکشوری ازجمله کشور خود را ترک کند یا به آن باز گردد، ماده ۱۳)

اما همه این قوانین برای درج در کتب و مقالات به کار می آیند نه در دنیای واقعیت، جنایات دیرپاسین، صبرا و وشتیلا، نسل کشی در رواندا و سربرنیتسا تا کشتار غزه، سوریه، بحرین و عراق همه نمایانگر این مهم هستند که قواعد حقوق بشری بین المللی ضمانت اجرا ندارند و در صورت لزوم و شرایط خاص و مقاصد به کار گرفته می شوند.

این کدام حقوق بشری است که وقتی یک سرباز اسرائیلی اسیر می شود تمام نهادهای حقوق بشری و شورای امنیت از نگرانی خواب از چشمانشان می رود، اما کشتار زنان کودکان در غزه خم به ابرویشان نمی آورد و از رسانه هایشان صدایی بر نمی خیزد.

تراژدی غزه به جایی رسیده که غربی ها خود به زبان آمده اند و از فشار و محدودیت ها در غزه ابراز نگرانی می کنند، اما شورای

غزه صرف نظر از روابط میان حماس و اسرائیل در حال حاضر به جغرافیایی برای مرثیه سرایی مبدل شده است؛ محلی برای سرودن سوگنامه ای دررثای حقوق بشر. این باریکه ۱۴۱ کیلومتری که درکنار دریای مدیترانه از جنوب غربی با مصر و از شمال وشرق با اسرائیل هم مرز است اگر چه بیش از ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت ندارد، اما بیش از یک میلیون و نیم انسان را در خود جای داده است.

انسانهایی که ماهها، بلکه سالهاست دنیا را به بازخوانی اعلامیه جهانی حقوق بشر فرا می خوانند، سایه گرسنگی، تشنگی، بیماری و مرگ بر مردم غزه سایه افکنده و جهان متمدن جز صدور بیانیه و قطعنامه های بی تأثیر و ابراز همدردی های صوری، گامی برای نجات انسان بر نمی دارد! می پرسید چرا؟؟ اینجا غزه است...

۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی رژیم صهیونیستی به بهانه ربایش و قتل سه نوجوان اسرائیلی حملات گسترده خود را به سوی مردم بی دفاع غزه آغاز می کند و در همان ابتدا ۱۰ نوجوان زیر ۱۸ سال فلسطینی را به شهادت می رساند، غزه طی ۵۱ روز در خون و آتش



ایدئولوژی نازیسم و جایگاه زن

• نویسنده: سحر جوانمرد (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

سحر جوانمرد



ظهور و پیدایش ایدئولوژی ها، بستر و شرایط زمانی و مکانی مناسبی را می طلبد تا بتوانند در مقام پاسخ به نارضایتی های مردم از وضع موجود، ترسیم کننده وضعی مطلوبی در آینده باشند. یکی از بسترهای ظهور و رشد ایدئولوژی را می توان سرخوردگی و از هم گسستگی ملی دانست. شرایطی که کشور آلمان در سال های پس از جنگ جهانی اول شاهد آن بود. آلمان که از بازندگان جنگ اول جهانی بود، می بایست تن به جدایی سرزمینی و برای سال های متمادی آینده زیر بار پرداخت غرامتی سنگین برود. حال آن که شکست در جنگ به خودی خود برای آلمان ها بار سنگینی بود که دیگر تحمل تحقیر و فشار را نداشتند. در چنین حالتی روحیه ملی و وطن گرایی را راهی برای جبران ناکامی ها و نابرابری های بین المللی می دانستند. تدوین و شکل دادن به ایدئولوژی حزب



ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان (نازی) را هیتلر در سال ۱۹۲۴، هنگامی که به جرم کودتای ناموفق معروف به آب جو فروشی، دستگیر و به زندان انداخته شد، تهیه و نگارش کرد و آن را در قالب کتابی با عنوان «تبرد من» منتشر کرد. منشأ فکری و معرفتی نازیسم به مکتب آریاگرایی سده نوزدهم می رسد که دوبنیان گذار آن، کنت گوبینوی فرانسوی و هوستن چمبرلن انگلیسی می باشند، باز می گردد.

«بنیاد ایدئولوژی نازیسم بر نابرابری نژادها و اقوام و ملت هاست. بعضی از نژادها نیک و پاک آفریده شده اند و بعضی دیگر بد و پلید»، بر این اساس سفید پوستان و آریایی ها دارای نژادی پاک و نیک می باشند و در مقابل سامی ها و رنگین پوستان از نژادهای بد و پلید. نازی ها معتقد بودند که ملت آلمان به عنوان نژاد برتر باید بر ملت های دیگر جهان حکومت کنند. این مطلب را هیتلر «نظم نوین جهانی» می خواند. در این ایدئولوژی، پیشوا مظهر عالی قدرت ملی به شمار می رود و مستقل از نظارت و اراده افراد است. نازیسم قهرمان پرستی را ترویج و قدرت و جنگ را می ستود؛ صلح طولانی را مایه پستی می دانست و ملت را پیکره واحدی می پنداشت که با دیگر اقوام در تنازع است.

با ژرف نگری در کتاب نبر من، در خواهیم یافت که ایدئولوژی مبتنی بر نفی برابری انسان ها، نگاهی مبتنی بر ستایش قدرت و تحقیر ضعیف و تنفر از ضعیفان روح اصلی این اثر است. طبق این دیدگاه، دنیا محل تخصم دو گروه ضعیف و قوی است. یک طرف گروه ضعیف که بازنده است و باید تسلیم شود و طرف مقابل، گروهی قوی که پیروز است. ناسیونالیسم هیتلر، یک ناسیونالیسم معطوف به قدرت است که در آن جایی برای فردیت و آزادی فرد وجود ندارد و فرد باید در جمع حل شود و در خدمت

منافع ملی باشد. ناسیونالیسم هیتلری مملو از تنفر از آن دیگری و بر پایه تحقیر دیگران است. میل هیتلر برای کسب قدرت، به گفته خودش، ریشه در قوانین طبیعی دارد. یعنی مبارزه قوی تر برای غلبه بر ضعیف تر و بقای آن که توان مندتر است. به گمان او، قوی و ضعیف همیشگی باهم مبارزه کرده اند و طبیعت صحنه پیروزی همیشگی قدرتمندان بر ضعیفان است. که این خود به نوعی نشأت گرفته از نظریه تکامل چارلز داروین است.

در نگاه هیتلر، یعنی نگاهی که با قدرت هویت می یابد و ضعف را تحقیر می کند، در رابطه با جنسیت و نقش زن در جامعه واضح و ضد زن است. در نگاه هیتلر، مرد ایده آل نازیسم از قدرت فیزیکی و توانایی جنگیدن برخوردار است. او فرماندهی است که احساساتی نمی شود و خشونت و درنده خویی بخشی از صفات وی است. اما زن در نگاه نازیسم موجودی است احساساتی، کم عقل، ضعیف و فرمان بر مرد. مرد به وظایف اصلی که همان جنگیدن و نابود کردن ضعیفان است می پردازد و دنیای زن خلاصه می شود به مردش که قسمت اصلی زندگی وی است و زن بدون مرد هویتی ندارد! به زن نگاهی مولد گونه و ابزاری می شود به این معنا که زن به خودی خود ارزش ندارد، تنها زمانی ارزش پیدا می کند که در مقام به دنیا آورنده مردان جنگی باشد. کاملاً واضح است که در چنین دیدگاهی به زن همواره به چشم یک شهروند درجه دوم و موقت نگاه می شود و آنان که دیگر توانی نداشته باشند به دست فراموشی سپرده می شوند و به خودی خود ارزشی نخواهند داشت.



تحولات عراق با محوریت داعش

• مصاحبه اختصاصی با حاج علی غفاری (نماینده آیت الله سیستانی و فرماندار استان دیاله)

است یا خیر .

نباید کشته شود بلکه داعشی که به انسان های بی گناه رحم نکرده باید از تیغ رد کنیم و رحمی هم به آنها نکنیم.

من می گویم ما کمک کردیم به داعش، جمهوری اسلامی با تمام قوا وارد عراق شده است برای مقابله با داعش ولی توقعات خیلی بیشتر است باید تفکر داعش از بین برود.

در استان دیاله شیعه و سنی با هم برابر و برادر هستند و با هم به صفا و خوبی زندگی می کنند و هیچ مشکلی ندارند بگونه ای که حتی در برخی از خانه ها پدر شیعه مادر سنی و دختر پسر هر کدام یک مذهبی دارند اما اجازه نمی دهند تفرقه مذاهب بینشان رخنه کند.

دو کاری که ما برضد داعش انجام دادیم این بود ۱ - رفتن در منطقه ی طارنیه و با شیوخ عشایر سنی آن نشستیم و گفتیم داعش در حال پیش روی به این سمت است و مانند القاعده که در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ آمد و چند صد هزار کشته ما در این استان داشتیم از شیعه و سنی و چه بسیار خانه ها خراب شدند و چه بر سر نوامیس ما آمد و حال داعش دوباره آمده است و ما باید در مقابل آن چه کنیم؟؟ بیایید باهم شویم و در مقابل آنها دفاع کنیم که یکی از آنها بلند شد و گفت ما اصلا نمی توانیم باشما یکی بشویم شما ابوبکر عثمان و حضرت عایشه را لعن می کنید ما با شما اختلاف داریم گفتم بله ما لعن می کنیم ولی در حال حاضر چه ارتباطی به این موضوع دارد؟ همه تایید کردن و خود او نیز پذیرفت و توانستیم از دجله و تاخود (عوام عادی) یک دژ محکم ایجاد کنیم که داعش روی آن دست گذاشته بود و داعش در آن منطقه در حال یارگیری از جوانان و نوجوانان بودند و جمع کردن نیرو بود و یک

به موضع آقای سیستانی، امریکا یک ابر قدرتی است که در جهان طغیان کرده و در حال بهره برداری از کشورها است و ما چه کردیم و ما در تاریخ دیده ایم که برخورد اهل بیت با یزید چطور بوده با معاویه چگونه بوده اینها تاریخ و مبانی ما است داعش چیز جدیدی نیست ما کمک کردیم به شکل گیری داعش با برخورد غلط.

افراط گرایی های در مذاهب در اخلاق در عمل و حتی همین شیعه و سنی است که سبب شکل گیری داعش و تفکر داعشی می شود و افرادی که مسبب این شکل گیری می شوند خود ما هستیم، ما هستیم که در همجا افراط و تفریط به کار می بریم مجازات میکنیم قبل از اینکه بفهمیم آیا شخص گناهکار است نهمت میزنیم قبل از اینکه دادگاهی شود اینها تماما ریشه های تفکر داعش را تقویت می کند، بگذارید مثالی از درون خانه های خودمان برای شما بیاورم؛ پدر وارد خانه می شود، کودک در حال تماشای برنامه مورد علاقه اش است، پدر با کمال خود خواهی شبکه را عوض می کند و به تماشای شبکه ای دیگر می نشیند، این پدر یک داعشی است و آن کودک تفکر داعشی درونش به مرور شکل می گیرد.

آیا برخورد با داعش فقط کشتن آنهاست؟ من می گویم خیر، داعش باید ریشه یابی شود، ما باید ابتدا زمینه های ایجاد تفکر داعشی را از میان برداریم و سعی بر درست کردن افرادی کنیم که این تفکر درونشان رخنه کرده، من نمی گویم داعشی

استان دیاله که با استان ایلام کرمانشاه و قصر شیرین همسایه است و با اقلیم کردستان ایران از جنوب و با بغداد و در شمال بغداد قرار می گیرد، استان دیاله به عبارتی عراق کوچک است. از تمام ادیان و مذاهب و طوایف که ۶۵ درصد این استان را شیعه تشکیل می دهد. زیدیه، شیخیه، حنفی، حنبلی و صوفی؛ انواع مذاهب در این استان وجود دارد کرد از قبیل عرب ترکمان، کمونیست و و از استان های پر ماجرا و پر خطر در طول تاریخ بوده است برای تشییع نیز بسیار مهم بوده، این استان برای اهل اغلب سنت مورد نزاع اهل سنت، شیعه و کرد و عرب بوده است و تاکنون شیعه بودن خود را حفظ کرده است این شهر آنقدر از نظر مذهبی با ارزش است که عالم بزرگی مانند آقا سید باقر حسن می فرمایند این شهر نجف صغری است و این شهر در حال حاضر خط مقدم با جنگ داعشی ها نیز می باشد و همیشه مقدم بوده.

این استان از نگاه آقای سیستانی بسیار مهم است و دیدگاه علمای نجف منتهی تبلیغات صدام علیه این استان بسیار گسترده بوده که باعث شده این استان را خطرناک جلوه دهند اما در واقع مردم بکری دارد .

آقای سیستانی در خصوص داعش خیلی زیبا عمل کردند، آقای سیستانی فتوای جهاد کفایی را دادند (برای حفظ نوامیس) و فرمودند عده ای وارد عراق شدند و شما مکلفید دفاع کنید از نوامیس اما در این میان نیروهای سیاسی آنها برداشته و از آن سو استفاده کردند بنده در استان دیاله بالای ۱۰۰۰ نیروی مسلح دارم که سر قضیه داعش ۱۰۰۰ نیروی گردان، آموزش دیده و بسیار قوی شده اند منتها به آنها اجازه ندادم وارد جنگ بشوند گفتم بروید بالای پشت بام های خانه هایتان و از نوامیس شهر دفاع کنید و در حال حاضر عملیات در حال تغییر است باید دید آیا برخورد صحیح اسلامی صورت گرفته



می رساند و آنها می دانند که مردم عراق، چه شیعه و چه سنی همه آقای سیستانی را بسیار قبول دارند و آقای سیستانی معتمد تمامی مردم عراق می باشند.

آیا امکانش هست آقای سیستانی حکم جهاد بدهند بر علیه داعش ؟
نمیدانم و بعید میدانم در حال حاضر آقای سیستانی فقط حکم جهاد دفاعی داده اند.
چرا داعش به اسم اسلام وارد شده است ؟

تحلیل های زیادی است من تحلیل خودم را باز گو می کنم .

داعش یک گروهی است که در عربستان ریاض و امریکا آموزش دیده اند برای انجام ماموریت در عراق و سوریه که کاملاً موفق هم شده اند، بین دو گروه دولتی وارد عراق شدند

کردها و عربها را به جان هم انداختند و مهم این است که ما این وسط بازی نخوریم .

سری از جوانان از طریق فیس بوک به جذب نیرو کمک می کردند و از آنها اطلاعات می گرفتند. بعد ها از طرف آقای سیستانی گفته شد اینها فتنه های آخر زمان است و خیلی از حرف های که از زبان آقای سیستانی گفته می شود درست نیست این ها تحلیل های شخصی افراد از آقای سیستانی است آقای سیستانی می فرماید به اهل تسنن نگوید برادران اهل سنت بگو جان من ، این مبنای آقای سیستانی است در قبال تسنن، وقتی که تو نمی توانی برادر دینی خودت را بپذیری این دین نیست و ربطی به ولایت ندارد.

چرا گروه های تکفیری و داعش می خواهند چهره آقای سیستانی را خراب کنند ؟

زیرا احساس خطر می کنند، سالیان گذشته آمریکایی ها در نجف بین ادیان مختلف فتنه ای راه انداخت بودند که منجر به درگیری های خیابانی شده بود و آقای سیستانی به دلیل ناراحتی قلبی که داشتند برای مداوا به لندن رفته بودند . وقتی که آقای سیستانی برگشتن مستقیماً با ماشین شخصی وارد نجف شدن و تمام گروه ها به احترام ایشان گفتن آتش بس و همه سلاح های خود را زمین گذاشتند، این قدرت تاثیر گذاری و جاذبه ی آقای سیستانی را در عراق

نقش رسانه ها در قبال داعش

● مصاحبه اختصاصی با مهندس غلامرضا میرحسینی (استاد رسانه در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال)



مهندس غلامرضا میرحسینی

مقدمه

به نظر بهتر است برگشتی داشته باشیم به شکل گیری گروهک هایی مانند داعش و مقاصد و اهدافشان که در فضای مجازی صورت می گیرد و استفاده ابزاری رسانه ها مطرح می شود.

داعش از محصل فرزند نامشروع جریان اسلام ستیزی شکل گرفته است و اگر بخواهیم به ریشه های نظری آن اشاره کنیم میتوان به برخورد تمدن ها اشاره کرد که به عنوان طرح مهاجم مطرح می شود و معتقد است که در دوران معاصر فرهنگ است که نقش اصلی و کلیدی را دارد.

فرهنگ غنی اسلامی که توان به چالش کشیدن بسیاری از ارزش های فرعی را دارد و ما به آن معتقد هستیم و آنها به خوبی به این اصل رسیده اند و برای خودشان برنامه ریزی نیز می کنند و به خوبی نیز روش عملیات می دهند.

از همان مقطع در واقع سیاست اصلی در مواجهه با دین اسلام این نظریه قرار می گیرد و آن هشدار عملا بعد از راهپیمایی سیاه پوستان در وانگ تنگه که عموما مسلمان بودند و راهپیمایی داشتن در مقابل کاخ سفید بود و آن برایشان جنبه بحرانی داشت که در قلب آمریکا در واشنگتن در کوتاه ترین زمان یک فرهنگ دینی همه افراد را دور هم جمع کند این یک امر فوق العاده خطرناکی است و از نظر آنها می تواند اثر مخرب تری از بمب اتم داشته باشد.

نقش رسانه ها در معرفی داعش و

اسلام ستیزی به چه صورت است ؟

از آن زمان، استراتژی آنها در حوزه ی رسانه ای بیشتر شد به طور مثال: زمانی که به آثار سینمایی و آثاری که در سینما برای مخاطبین آمریکایی تولید می شود مورد آنالیز و توجه قرار می گیرد، چه در سینمای معناگراییشان و چه سینمای تجاریشان که

صرفا با نگاه گیشه کار می کنند و در آثارشان مستقیم و غیر مستقیم اسلام و اسلام گرایی را مورد هجو قرار می دهد. از عنوان و نمادهایی مانند چفیه برای پوشش (صورت) استفاده می کنند. تروریست ها افرادی هستند که گرایشات مذهبی دارند از اسامی مذهبی و اسلامی استفاده می کنند تا می رسد به جریان انقلاب اسلامی که به عنوان کانون اصلی آزادی خواهی، رفع هر گونه تبعیض که جلوه رحمانیت دین به خصوص مذهب تشیع را که قدرت بالایی در جذب افراد دارد و دایره خودش را به سرعت گسترش می دهد.

مواجه شدن با پدیده بسیار بزرگ و فراگیری و کانون توجهشان که هوشمند عمل می کنند در قسمت رسانه ای قرار دارد و هم زمان با بحث تحریم ها همزمان با بحث جنگ و محدودیت های دیگر رسانه هایشان به سرعت همراه شدند. آنها نفوذشان را در جوامع جهان سوم می دانند تکلیفشان با مخاطب داخلی براساس تعهداتشان و مخاطب خارج از مرزهای خودشان روشن است این هجو مدت ها و سالهاست شروع شده است.

تاکتیکهای جنگ روانی رو به خوبی می دانند و استفاده کردند و از همه شیوه های مشروع و نامشروع استفاده می کنند تا جایی که می توانند، از ابزار حقوق بشر نیز استفاده می کنند و چون هدف و پلانشون مشخص است می دانند باید جلوی این پدیده را بگیرند متوقفش کنند و آرام آرام تخریبش کنند و این تخریب را ترجیحا با کمترین هزینه باید انجام دهند و در درون سعی می کنند آن را متلاشی کنند، برای مثال یک زمانی ویدیو خانگی آمد افرادی که می خواستند مثلا فیلم های فارسی ببینند استفاده می کردند ولی مخفیانه چون غیر قانونی بود و این مسئله آرام آرام وارد خانه ها شد و تغییر پیدا کردن و تبدیل شد به پرتابل ویدیوهای قابل حمل یک پدیده را به اینصورت تغییر می دهند و یا مثالی دیگر

داستان ۱۱ سپتامبر به وجود آمد و جو جهانی را علیه تروریست حساس کردند با رسانه های داخلی آمریکا نفرت شدیدی را به این موضوع به وجود آوردند و بدون آن نقطه ی اتهام در مراحل اولیه به طرف کسی مدیریت کنند رفته رفته آن را به سمت القاعده هدایت کردند و این القاعده معرف چیست؟؟ اسلام گرایست که به دنبال ایجاد حکومت واحد اسلامی است و حامیان آن کشورهای عربی، وهابی است که با در اختیار قرار دادن پول و سلاح آنها را حمایت می کنند و آنها به دنبال این هستند که تعریفی جدید از دین بیان کنند.

فیلم هایی که بیشتر تولید می شود خوراک داخلی دارد یا خارجی ؟

آن ها محورشان در رابطه با مخاطبین کاملا تعریف شده است و برای مخاطب داخلی خودشان یک بستر ویژه ای دارند ولی مخاطبین خارج خودشان به شکل دیگر است و در ساخت فیلم هایشان از تکنیکهای های روز دنیا برای جلوه های ویژه استفاده میشود این نشان دهنده این است که مخاطب جوان را هدف قرار داده و چون مخاطب جوان هیجان دوست دارد این هیجان در محیط طبیعی امکان به پاسخگویی اش نیست زیرا هزینه زیادی دارد، آثار و تخیب خاصی نیز دارد و موجب بروز مشکلات دیگر می شود و به همین دلیل برای پاسخگویی به این هیجانات در سینما و توسط حقه ها و جلوه های ویژه آورده و ایجاد می شود و با توجه به هیجان جوان و نیازی که دارد و جوان شرقی که از نظر عاطفی و احساسی به این نوع فیلم نیاز بیشتری دارد تا غرب، زیرا در غرب آموزش دیده و هیجانانش را با مکانیزم هایی کنترل می کنند.



آیا رسانه های غربی می توانند از داعش به عنوان یک تریبون برای ضربه زدن به مسلمانان استفاده کنند؟

غربی ها برای هدف اصلی شان که دین اسلام است نیاز به نیروی عملی دارند که خوراک افکار عمومی را بچینند حالا سوریه را شروع می کنند که با جریان النصره است، سوریه را همه می دانند که خط مقدم جبهه اسلام است.

جنگ سی و سه روزه نشان داد جنگ هشت روزه نشان داد قدرت اسلام، اسرائیل را به خطر انداخت و به این نتیجه رسیدند که این منطقه باید تحت کنترل قرار بگیرد و به این معنا نیست که اسرائیل بیاید سوریه را تصرف کند خیر بلکه حکومتش باید حکومت تابعی باشد و جبهه النصره شکل می گیرد و آن جنایات در سوریه رخ میدهد و کمک به رسانه می شود.

رسانه بیشتر از آن که نشان دهنده فعالیت های ارتش باشد که بسیاری آن را به تصویر نکشیدند بجز رسانه های خودمان (ایران) بیشتر نشان دهنده دولت النصره است و نفوذ النصره را بیانگر استقبال مردم از النصره نشان دادند، توان فیزیکی و عملیاتی النصره و بسیاری از این پدیده ها باز سازی شده توسط متخصصین رسانه است و آن گونه نیست که خبری باشد و در رسانه ها پخش می شود و یا دولت اسلامی را زمانی که می خواهند اسم ببرند نمی گویند داعش می گویند دولت اسلامی، دولت تازه تشکیل شده اسلامی یعنی تماماً با ظرافت به روی این ادبیات کار می شود این برای مخاطب خودش است و برای وحشت در مخاطب غیر خودی. من به عنوان یک ایرانی یا یک سوری وقتی تند روهای اسلامی را با این فجایع می شناسانم تصویری که من از اسلام دارم خراب می شود چه برسد به آن غربی که تصویری از اسلام ندارد، به همین خاطر زمان سر ریدن الله اکبر می گویند، زمان کشتار دسته جمع آیه قرآن می خوانند و این حرکت تفاوتی با آن کشیش

آمریکایی ندارد که قرآن را آتش می زند، زیرا این تحریف فیزیکی قرآن است ولی آن تحریف در محتوای قرآن است ولی تحریف این بیشتر است زیرا جنبه خشونت خون و خون ریزی را به نمایش می گذارد و در داعش و یا تروریست های داعش این کار هوشمندانه صورت می گیرد و مانند سوریه نیست که سازماندهی رسانه ی از درون خودش صورت گیرد یعنی غرب کمک بسیاری کرد، در درون آنها النصره تکنولوژی هایی که در دست داشت، بیانیه هایی که منتشر می کنند، تصاویری که می گیرند و نشان دهنده آن است که کاملاً افراد متخصص در این زمینه ها با آنها همکاری دارند و توسط اتاق فکرشان نرم افزارهایی تولید کرده اند برای موبایل کسانی که گرایش دارند این اطلاعات را بگیرند و از اخبار روز با خبر باشند و هیچ فیلترنگی صورت نمی گیرد و در فضای مجازی بشدت فعال هستند مثلاً: در تویتر، وایبر، ایستپناگرام، فیس بوک حضور دارند در حالی که طبق قوانین و قواعد خودشان اگر چیزی جنبه خشونت داشته باشد و یا تبعیض نژادی، توهین و یا تبلیغ دین باشد این ها را فیلتر می کنند.

رسانه های جهان می توانند داعش را از متن به حاشیه برانند؟

این امر نیاز دارد به یک شکل گیری جدی و متحد، وقتی که حرف از رسانه های جهان می شود دیده می شود که یک دست نیست زیرا بعضی از آن ها بدون اجازه دولتشان آب نمی خورند، خبرها را سانسور و تحریف می کنند و بسیاری از رسانه هایی منطقه نیز مانند الجزیره العربیه وابسته و تکلیفشان مشخص است، پس یک دستی اجازه نمی دهند اتفاق بیفتد و اگر این اتحاد شکل بگیرد امکانات رسانه ایی با هدف مشخص و سایت های آنها هم زمان فیلتر صورت بگیرد و کور کنیم حرکت رسانه هایشان را و فرار و ترس آنها را نشان دهیم قطعاً به نتیجه خواهیم رسید.

برای مقابله با رسانه راهکار دارد ولی تفکر منسجم صورت نگرفته است که اگر این کار انجام شود قدرت رسانه ای آنها شکسته خواهد شد.

به نظر شما چرا داعش در سوریه از تبلیغات رسانه ای استفاده نکرده ولی در عراق تبلیغات وسیعی داشته ؟

سوریه موقعیت استراتژیکی و ویژه ای است از پایگاه مردمی. در آنجا هدف اصلی غرب سرنگونی بشار اسد است در کوتاه ترین زمان برای همین هم حمایت هایی که انجام می دهد اطلاعاتی و نظامی است. با حرکت این گونه به سرعت بحران به شهرهای مختلف گسترش پیدا می کند و بر این اساس مردمی که نا راضی هستند ملحق شوند، درون حکومت در کوتاه ترین زمان سقوط خواهد کرد و انعکاس رسانه ای آن در این حد پیش بینی می شود در نتیجه تمرکزشان را می گذارد روی خود بشار اسد و نگاه براندازی حکومت است و جلساتی که در سازمان ملل و شورای امنیت صورت می گیرد بحث غیر مردمی بودن بشار است نه اسلام و دین اسلام، چون بشار هم به عنوان یک رهبر دینی مطرح نیست نه در جهان عرب و نه در جهان غرب به عنوان یک فرد سکولار است دیدش اتفاقاً باز است از نظر غربی ها فضای بازی را ایجاد کرده است، غیر از بحث سیاسی و تک حزبی ها زدن بشار صرفاً برای بدست آوردن پایگاه استراتژیک است. جبهه النصره را برای گام اول جبهه اسلامی معرفی نمی کنند مخالفین بشار و ارتش آزاد مطرح می کنند. بعد جنبه ی اسلامی به خودش میگیرد که حلقه دیگر را تکمیل کند و به آن دلیل این رفتار را از النصره دیده نمی شود. آنهایی که بچه های حزب الله را کشتن در سوریه به عنوان مقابله نظامی می بینند نه تفکر شیعه، سنی و مواجهه عقیدتی.

مشاور جناب آقای نوری مالکی نخست وزیر پیشین عراق

تحولات عراق و نقش داعش



ای اش را چگونه تحلیل می کنید؟
رابطه ی آقای نوری مالکی با جمهوری اسلامی علی رغم مخالفت های آمریکایی ها، بسیار رابطه ی مطلوب و مثمر ثمر بوده است و نتایج بسیار خوبی نیز به همراه داشته و دارد به گونه ای که در طول تاریخ عراق می توان این دوره را بهترین دوره ی روابط خوب و سالم بین ایران و عراق دانست.

یکی از نقاط مورد نقد دولت نوری مالکی آن بود که ایشان به دولتی فراگیر و همه شمول تبدیل نشد و نارضایتی، بخش قابل توجهی از مردم عراق شد، نظر شما در این خصوص چیست؟
با توجه به تفاوت نژادی عرب و کرد و تفاوت های دینی شیعه، سنی و مسیحی ... و با وجود این اختلافات دولت به سختی می تواند تمام اقشار را راضی نگه دارد و کاری است بسیار دشوار، ولکن با در نظر گرفتن تمام این اختلافات، دولت آقای مالکی با اینکه دولتی شیعه بوده، نسبتاً حقوق تمامی اقوام و ادیان را به یک چشم و در قالب عدالت بر قرار نموده است.

چه ارزیابی از آینده سیاسی جناب آقای نوری مالکی در عراق و آینده ی عراق دارید؟
به نظر بنده بدون هیچ تعصبی آقای مالکی در طول تاریخ عراق از بهترین رؤسای این کشور بوده است و دوره ی ایشان رو به پایان است و ایشان در دوره ی جدید ریاستی، هماتطور که ایشان اعلام کردند پشتیبان مسئولان جدید خواهند بود.

جناب آقای فدایی ارزیابی شما از عملکرد دولت آقای نوری مالکی به عنوان نماینده ایشان چیست؟ و چه نقاط قوت و ضعفی را می بینید؟
در خصوص نقاط قوت آقای مالکی می توان مواردی را نام برد از جمله:
۱- حقوق مستضعفان و ستمدیدگان را احیاء کرد..

۲- از حقوق مالی هجرت کنندگان و مهاجرین حمایت کرد..
۳- برای حفظ استقلال در عراق بسیار سعی، تلاش و کوشش کرد..
۴- حکم محاکمه ی صدام را امضاء و حکم آن را اجرا کرد.
و اما نقاط ضعف جناب آقای نوری مالکی که دوستان اشاره کردند:
۱- ایشان در مدیریت ارتش دچار ضعف بودند.
۲- عدم منصوب کردن دو وزیر به مدت چهار سال

سیاست آقای نوری مالکی در قبال همسایگان و قدرت های منطقه ای همچون عربستان را دارای چه ویژگی هایی می دانید؟
سیاست های عمومی ایشان در مقابل همسایگان، سیاست مطلوب و معتدلی بوده است و در مورد دخالت های بی مورد همسایگان از جمله عربستان و ترکیه برخورد حدی و قاطعی داشتند.

روابط جناب آقای نوری مالکی را در ارتباط با ایران و فضا سازی ها برای مطرح کردن آقای نوری مالکی به عنوان متحد اصلی دولت حاکم بر تهران از سوی رسانه های غرب و متحدان منطقه



با توجه به تحولات عراق و تولد گروهی تکفیری به نام داعش در این منطقه بخش نشریه انجمن علمی تخصصی علوم سیاسی بر آن شدیم مصاحبه ای اختصاصی با جناب آقای نوری مالکی نخست وزیر عراق در این راستا داشته باشیم و از آنجا که به دلیل مشکلات موجود ایشان نمی توانستند مستقیماً با ما در ارتباط باشند توانستیم با مشاور ارشد ایشان جناب آقای فواد فدایی ارتباط برقرار کنیم و مصاحبه ای کوتاه داشته باشیم:



داعش و تأثیرات ژئوپلیتیک آن

● نویسنده: سید مجتبی جلال زاده (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

این در حالی است که همچنان سودای استقلال کردستان عراق، خاموش نشده است و پیشتر نیز کردهای سوریه، خودمختاری خود را اگر چه غیر رسمی، به دست آورده اند. ترکیه: ایفای نقش ترکیه در مقابله با دولت اسلامی به عنوان یکی از بازیگران منطقه ای افزایش یافته است. این مورد ممکن است سبب شود تا جهادی ها در درون خاک ترکیه به تلافی اقدامات انجام شده توسط دولت آن کشور، با انجام حملات تروریستی دست به مقابله به مثل بزنند. تا به اینجا هم به واسطه داشتن مرز مشترک با کشورهای سوریه و عراق، حضور گسترده آوارگانی از این دو کشور (کرد و غیر کرد) در خاک ترکیه که خود دارای تعارض هایی با یکدیگر هستند، این کشور را با مشکلات بسیاری روبرو کرده است و هجوم این توده بزرگ از نیروی انسانی به عنوان پناه جو می تواند مشکلات انسانی و امنیتی برای آن کشور ایجاد نماید و تصمیم ترکیه را برای برخورد قاطع تر با دولت اسلامی در پی داشته باشد.

نتیجه: یکی از پیامدهای مهم ظهور داعش، گسترش این نوع ایدئولوژی و احتمالاً روند روبه رشد خلفای تازه تأسیس در نقاط گوناگون جهان خواهد بود که تنها محدود به منطقه خاورمیانه نخواهد شد؛ چرا که ایدئولوژی را نمی توان بمباران کرد. ضمن آن که باعث تغییر توازن قدرت های منطقه ای و بین المللی شده است؛ قدرت های جهانی افول و قدرت های منطقه ای افزایش می یابند و بازیگران غیر دولتی پدیدار می شوند. آن چه مسلم است، هر چه مبارزه با دولت اسلامی و افراط گرایی طولانی تر شود، متناسب با آن، زمانی طولانی باید صرف بازسازی خاورمیانه و به ویژه، عراق و سوریه گردد. در همین راستا، تحولات پیش آمده، نقش تعیین کننده ای در شکل دادن آینده ارضی و سیاسی کل منطقه و هم چنین سیاست بازیگران بین المللی دارد.

ها و جریان های مختلف در عراق، اختلاف ها را نادیده گرفته و وارد همکاری و ائتلاف علیه دشمن مشترک شوند.

کردستان عراق: پیشرفت گروه دولت اسلامی در خاک عراق، منجر به شکل گیری یک فرایند مستمر برای پیشبرد اهداف استقلال خواهانه کردستان عراق شد. کردها اعلام کردند که به عنوان متحد عراق، به روند جدایی طلبی ادامه خواهند داد و با توجه به این که دولت جدید عراق (نخست وزیر حیدر العبادی) در ابتدا به نظر می رسید در متحد کردن گروه های مختلف قومی و مذهبی در عراق شکست خورده است در راستای تغییر نقشه این کشور ممکن است موفق باشند و این امر با گسترش و توازن قدرت بین کردها و دولت مرکزی رخ می دهد. عدم موفقیت کردها در مقابله با تهدید دولت اسلامی از یک سو و از سوی دیگر حضور مشاوران نظامی ایران در عراق و کمک به کردها در متوقف کردن پیشروی های دولت اسلامی خصوصاً در مناطق کُرد نشین، در کنار دیگر ملاحظات امنیتی و سیاسی، پروژه توسعه فرقه گرایی را به سود وحدت عراق سوزاند.

سوریه: پس از عراق سوریه نیز به یک صحنه نمایش عملیات نیروهای نظامی ائتلاف غرب در برابر دولت اسلامی مبدل شد. نکته مهم اینجا است که دولت بشار اسد در ابتدا با سکوت این مداخله را مورد پذیرش قرار داد و اندکی بعد، ولید معلم (وزیر امور خارجه سوریه) طی یک مصاحبه تلویزیونی از مورد حمله قرار دادن مواضع گروه های معارض دولت سوریه توسط ائتلاف غرب، استقبال می نماید. به این ترتیب مشارکت غیر رسمی بین سوریه و ائتلاف بین المللی ضد دولت اسلامی، شکل گرفته است. در یک چشم انداز بلند مدت، این مورد از یک سو به حفظ بقای نظام فعلی سوریه کمک می کند و از سوی دیگر موجب کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در این منطقه خواهد شد. اما این پرسش هایی همچنان باقی است: تغییر حکومت سوریه منتفی است؟ و یا خطر تجزیه و جدایی سرزمینی این کشور از بین رفته است؟

در این جستار سعی بر آن شده است تا از منظر سیاست جغرافیایی، داعش به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد و بنا به محدودیت سطور، بسیاری از موارد، ناگفته باقی خواهند ماند. پرسش اساسی این است که دولت اسلامی یا همان داعش سابق، چه تأثیر ژئوپلیتیکی بر کشورهای منطقه ی خاورمیانه و پیرامون خود گذاشته است؟

«دولت اسلامی عراق و شام» با نام اختصاری داعش که اکنون به «دولت اسلامی» تغییر نام داده است، گروهی شورشی و تروریستی است با عقاید سلفی و رادیکال اسلامی، که در عراق و سوریه حضور فعال دارد و بخش های بزرگی از شمال سوریه و عراق را به تصرف خود درآورده است. این گروه به رهبری «ابوبکر البغدادی» از جهادگرایان سلفی جدا شده از شبکه القاعده، تأسیس شده و با دولت های عراق و سوریه و دیگر گروه های معارض مخالف دولت بشار اسد وارد جنگ مسلحانه شده است.

در یک سطح تحلیل خُرد، ظهور داعش به عنوان یک تهدید امنیتی قابل توجه برای تمامی کشورهای منطقه پیرامون آن، به طور یکسان مطرح است؛ یک تهدید جدی برای ثبات و تمامیت ارضی کشورهای منطقه و هم چنین منافع منطقه ای غرب. مطرح شدن دولت خلافت اسلامی در عراق نوعی فضای کلی را در بر می گیرد؛ نمی توان این نکته را نادیده گرفت که خلافت، در فضایی است که مرز نمی شناسد. دولت خلافت اسلامی به معنای فضای فرمانطقه ای، واقعیتی اجتماعی است که تحت تأثیر قدرت های منطقه و فرمانطقه ای بازتولید شده و تضادهای آن رو به افزایش است و خشونت این تضادها را تشدید می کند.

در روابط بین الملل و به ویژه ادبیات رئالیسم که رویکردی واقع گرایانه و معطوف به قدرت دارد؛ تهدیدات امنیتی متقابل را یکی از مهم ترین عوامل فزاینده برای شکل گیری ائتلاف ها می دانند. رئالیست ها بر این موضوع معتقدند که چنان چه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. پس دور از انتظار نیست که گروه

آوای بیدار...

نشریه ای دانشجویی اما متفاوت...

WWW.ANDISHEVARZ.IR